

## باب دوازدهم - لوح مبارک درباره انقطاع

جمال مبارک در یکی از الواح میفرماید قوله تعالی :  
“ ثم اعلم بان نصب بیننا و بین العباد سلم و له ثلاث درجات الاولى تذکر بالدنیا و زخرفها و الثانية بالآخرة و ما قدر فیها و الثالثة تذکر بالاسماء و ملکوتها و من جاز عن هذه المقامات یصل الی ملیک الاسماء و الصفات اقرب من حین ایاکم یا اهل البهاء لا تعطلوا انفسکم علی هذه المواقف ثم مروا عنها کمر السحاب و كذلك ینبغی لعبادنا المقربین ” انتهى

و نیز در لوح هادی میفرماید :  
“سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء در آنچه مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذکر او محجوب ننماید باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد او است انقطاع و مبدأ و منتهای آن ” انتهى

و نیز میفرماید قوله تعالی :  
“ ثم اذکر النعمان الذی کان من اعز الملوک و من قبله احد من الکیان اذ تجلت علی قلبهما شمس الانقطاع ترکا ما عندهما و خرجا عن بیتهما مقبلین الی العراء و ما اطلع بهما الا الله العلیم ان النعمان کان مستویا علی عرش الملک اذ اسمعناه کلمة من کلماتی العلیا اهتز و تفکر و تحیر ثم انتبه و قام و قال مخاطبا الی نفسه لا خیر فیما ملکته الیوم و غدا یملکه غیرک كذلك نبهناه و انا المقدر القدر فلما تنفس الصبح و طلع الشمس و جد الامراء العرش متروکا تحيروا و تفحصوا فی الاقطار الی ان یئسوا عما املوا انه لهو العالم الخبیر لعمر الله لو نکشف الغطاء عن العیون کما کشفنا عنه لترى الناس یدعون الدنیا عن ورائهم و یترکون ما یمنعهم عن هذا الافق المنیر طوبی لمن تنور بانوار الانقطاع انه من اهل السفینة الحمراء لدى الله رب العرش العظیم طوبی لمدينة اشرفت شمس الانقطاع من افقها و لارض اضائت من انوارها لعمری لو فازت هذه الدیار بنور من اشراقها لما بلی البهاء بین الاعداء كذلك یقص لک مالک الاسماء لتکون من العارفين ” انتهى

و نیز میفرماید قوله تعالی :

“ هو العزيز الجميل اگر چه جميع ايام را از بدایع فضلش نصیبی علی ما هی علیه عنایت فرمود و لکن ایام ظهور را مقامی فوق ادراک مدرکین مقرر داشته چنانچه اگر جميع قلوب من فی السموات و الارض در آن ایام خوش صمدانی بآن شمس عز ربانی مقابل شوند و توجه نمایند جميع خود را مقدس و منیر و صافی مشاهده نمایند فتعالی من هذا الفضل الذی ما سبقه من فضل فتعالی من هذه العناية التي لم يكن لها شبه في الابداع و لا لها نظير في الاختراع فتعالی عما هم يصفون او يذكرون اینستکه در آن ایام احدی محتاج باحدی نبوده و نخواهد بود چنانچه ملاحظه شد که اکثری از قاصدین حرم ربانی در آن یوم الهی بعلم و حکمتی ناطق شدند که بحر فی از آن دون آن نفوس مقدسه اطلاع نیافته و نخواهد یافت اگر چه الف سنه بتعلیم و تعلم مشغول شوند اینستکه احبای الهی در ایام ظهور شمس ربانی از کل علوم مستغنی و بی نیاز بوده اند بلکه ینابیع علم و حکمت از قلوب و فطرتشان من غیر تعطیل و تأخیر جاری و ساری است و بعد سؤال از انقطاع شده بود معلوم آنجناب بوده که مقصود از انقطاع انقطاع نفس از ما سوی الله است یعنی ارتقاء بمقامی جوید که هیچ شیئی از اشیاء از آنچه در مابین سموات و ارض مشهود است او را از حق منع ننماید یعنی حب شیء و اشتغال بآن او را از حب الهی و اشتغال بذکر او محجوب ننماید چنانچه مشهودا ملاحظه میشود که اکثری از ناس الیوم تمسک بزخارف فانیه و تشبث باسباب باطله جسته و از نعیم باقیه و اثمار شجره مبارکه محروم گشته اند اگر چه سالک سبل حق بمقامی فائز گردد که جز انقطاع مقامی و مقری ملاحظه ننماید و لکن این مطلب را ذکر ترجمان نشود و قلم قدم نگذارد و رقم نزند نلک من فضل الله يعطيه من يشاء باری مقصود از انقطاع اسراف و اتلاف اموال نبوده و نخواهد بود بلکه توجه الی الله و توسل باو بوده و این رتبه بهر قسم حاصل شود و از هر شیء ظاهر و مشهود گردد اوست انقطاع و مبدأ و منتهای آن اذا نسئل الله بان ينقطعنا ممن سواه و يرزقنا لقائه انه ما من اله الا هو له الامر و الخلق يهب ما يشاء لمن يشاء و انه كان علی كل شیء قدير ” انتهى

و نیز در لوح علی نازل قوله تعالی :

“ فاعلم بانا جعلنا قلوب الذين هم انقطعوا عن الدنيا و توجهوا الی شطر اسمی الابهی زبر الحديد بحيث لن يخافنهم شیء عما خلق بين السموات و الارض و هم قسورة آجام القدرة و القوة و قد سلسلهم الله بسلاسل العصمة و لو شاء ليطلقهم بامر من عنده و یسخر بهم كل من فی السموات و الارض و انه لعلی كل شیء قدير ” انتهى